

درس پنجم

«چرا خدا انسان را آفرید»

پیدایش ۱، ۲

سلام بر شما شنوندگان عزیز، در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید و تا ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحال هستیم که می‌توانیم امروز نیز برنامه طریق عدالت به شما تقدیم کنیم.

در درس گذشته خواندیم که خدا چگونه آسمانها، زمین، دریا و تمام چیزهایی را که در آنهاست خلق کرد. خداوند خدا همه چیز را تنها به قوت کلام خود در شش روز خلق کرد. همچنین فهمیدیم که چرا خدا جهان را خلق کرد. او جهان را برای بشری خلق کرد که قصد داشت، او را برای جلال خود بیافریند. چقدر خدا مهربان است که چنین مکان زیبا و عالی را خلق کرده تا انسان بتواند در آن با رفاه و خوشبختی واقعی زندگی کند! امروز قصد داریم به بررسی کتاب مقدس ادامه دهیم و ببینیم که چگونه خدا اولین انسان را خلق کرد. به یاری خدا سعی می‌کنیم بفهمیم، که چرا خدا انسان را آفرید؟ کلام خدا در تورات، کتاب آفرینش، باب اول، آیه ۲۶ می‌گوید:

«و خدا گفت: "آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید." پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید.» (پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷)

حقیقت عمیق و حیرت‌انگیزی که خواندیم و هر کسی باید آن را بداند این است که، خدا در ابتدا زن و مرد را مثل خود آفرید! به این مسأله فکر کنید! خدا انسان را شبیه خود آفرید! در حقیقت انسان مهمترین مخلوق خدا در بین دیگر مخلوقات است. تنها انسان شبیه و مانند خدا آفریده شد.

بنابراین منظور کلام خدا از «خدا انسان را بصورت خود آفرید» چیست؟ کتاب مقدس در باب سه، آیه هفت می‌گوید: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد.» (پیدایش ۲:۷) از این آیه پی می‌بریم، زمانیکه خدا اولین انسان را خلق کرد او را با دو ویژگی آفرید: بدن و روح. انسان تنها ذات فیزیکی ندارد، بلکه او جسم و روح دارد. خدا انسان را در دو مرحله آفرید. دوباره به آنچه که کلام خدا می‌گوید گوش کنید: اول: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت.» دوم: «در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد.»

پس از کلام خدا دریافتیم که خدا به هنگام خلقت انسان ابتدا جسم او را سرشت. چرا خدا ابتدا جسم انسان را ساخت؟ او ابتدا جسم انسان را سرشت زیرا جسم، محل سکونتی برای روح انسان می‌شد. آیا شما می‌دانید

که جسم شما، خانه و خیمه‌ای موقتی برای روح شما است؟ و این همان چیزی است که کتاب مقدس به ما می‌آموزد: «خانهٔ زمینی، خیمه ما» (دوم قرنتیان ۵:۱)

خدا جسم انسان را آفرید تا روح او در آن ساکن شود. خدا از چه چیزی، بدن انسان را آفرید؟ کلام خدا می‌گوید: خداوند آن را از خاک زمین بسرشت. در عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، می‌دانیم که خاک زمین، ترکیبی از بیست عنصر شیمیایی است. دانشمندان گفته‌اند هر بیست عنصر شیمیایی در بدن انسان کشف شده است و به همین دلیل، نبی خدا، داود در مزامیر می‌گوید: «زیرا جبلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم.» (مزامیر ۱۰۳:۱۴) بله، جسم انسان از خاک سرشته شده اما این به منزلهٔ بی‌ارزش بودن آن نیست! در بدن انسان، بیش از هفتاد، هزار، هزار، هزار (۷۰ تریلیون) جزء وجود دارد که ما آنها را سلول می‌نامیم. و همهٔ این اجزا (سلول‌ها) با یکدیگر جسمی را شکل می‌دهند که با هماهنگی کاملی عمل می‌کند. بدن انسان یک معجزه است. خدا در بدن انسان، مغز، قلب، شش، معده، کبد، روده، استخوان، ماهیچه، پوست، چشم، گوش، بینی، دهان و قسمتهای حیرت‌آور دیگری، قرار داده است. و هر عضو، نقش بخصوصی را ایفا می‌کند. تنها خداوند قادر به خلقت بدن انسان بود! و به همین دلیل نبی خدا، داود می‌گوید: «تو را حمد خواهم گفت زیرا که بطور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام، کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می‌داند.» (مزمور ۱۳۹:۱۴)

بله، بدن انسان یک معجزهٔ باورنکردنی است! اما آیا، بدنی را که خدا خلق کرده شبیه خداست؟ خیر. چنین چیزی محال است، زیرا خدا روح است. خدا شکل فیزیکی انسان را به شباهت خود خلق نکرد. پس مقصود کتاب مقدس از اینکه می‌گوید: «خدا آدم را بصورت خود آفرید.» چیست؟ مقصود اینست که خدا روح انسان را شبیه خود آفریده است.

دیدیم که وقتی خدا جسم انسان را از خاک بسرشت، جسم انسان فاقد حیات بود. آن فقط یک جسد بود، چرا خدا قبل از اینکه روح انسان را بدمد، ابتدا جسم او را خلق کرد؟ چرا خداوندی که قادر مطلق است انسان را مانند دیگر مخلوقاتش تنها در یک مرحله نیافرید؟ شاید خدا این کار را به این نحو انجام داد، تا به ما بیاموزد که، انسان به خودی خود، در مورد حیات قدرتی ندارد انسان قادر نیست، نه به خود نه به هیچ موجود دیگری نعمت حیات ببخشد. خدا، خداوند حیات است و تنها در اوست که حیات یافت می‌شود. حیات از انسان سرچشمه نمی‌گیر، بلکه حیات هدیه‌ای است از جانب خدا! کتاب مقدس می‌گوید: «خداوند، خدا در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد.» بنابراین جسمی که خدا خلق کرد، شروع به زندگی کرد. چرا جسم، زنده شد؟ زیرا خداوند خدا به آن روح حیات بخشید. خدا حیات خود را در جسد انسان دمید، بنابراین حیاتی که در خداوند بود در انسان نیز دمیده شد و به این ترتیب انسان یک موجود زنده شد.

بنابراین خدا چه چیز را شبیه خود آفریده بود؟ روح را. خدا روح انسان را شبیه خود آفرید. آیا می‌دانید، ویژگیهای در روح خدا وجود دارد که در روح انسان نیز یافت شده است؟ قبل از خاتمه دادن به درس امروز، قصد

داریم سه ویژگی یا خصوصیتی را که هم در خدا و هم در انسان وجود دارد، بررسی کنیم. زمانیکه ما در مورد سه ویژگی مشترک میان خدا و انسان فکر کنیم، می‌توانیم درک بهتری از این آیه داشته باشیم: «خدا انسان را شبیه خود آفرید.» سه ویژگی که خدا در روح انسان قرار داده بدین شرح هستند:

اول: خدا به انسان عقل و شعور (ذهن) بخشید، بنابراین انسان می‌توانست خدا را بشناسد.

دوم: خدا به انسان دل (احساسات) عطا کرد، بنابراین انسان می‌توانست به خدا عشق بورزد.

سوم: خدا به انسان اراده (آزادی انتخاب) عطا کرد، بنابراین انسان می‌توانست از خدا اطاعت و فرمانبرداری کند.

از آنجایی که تنها خدا صاحب ذهن، قلب و اراده است، پس او در روح انسان عقل و شعور و احساسات و اراده قرار داد. اجازه دهید این موضوع را کمی بشکافیم:

۱) اولاً خدا به انسان عقل و شعور و ذهنی عطا کرد که قادر به شناخت خداست و می‌تواند مانند خدا تفکر کند. و از آنجایی که خدا مشتاق بود تا انسان با او دوستی نزدیک و صمیمانه داشته باشد به او ذهنی نیرومند بخشید. هنگامی که در مورد زندگی نبی خدا، ابراهیم می‌خوانیم، می‌بینیم که خداوند، او را، «دوست خدا» نامیده است. ابراهیم شخصاً خدا را می‌شناخت و با او رابطه نزدیکی داشت، اما تنها ابراهیم حق دوستی با خدا را ندارد بلکه ما نیز می‌توانیم دوست خدا باشیم. خدا مشتاق است تا ما با او دوستی نزدیکی داشته باشیم. به همین دلیل خدا در روح انسان، عقل و شعور (ذهن) قرار داد تا بتواند همدم روح خدا شود.

شاید با طرح یک سؤال بهتر بتوانیم مقصود خود را به شما برسانیم. چه چیزی انسان و حیوان را از هم متمایز می‌کند؟ عقل. ذهن انسان تفاوت بسیار با ذهن حیوان دارد. به چه دلیل حیوانات قادر به درک این برنامه رادیویی نیستند؟ زیرا آنها عقل و شعور انسانها را ندارند. شنوندگان عزیز، چرا شما قادر به درک سخنان ما هستید؟ زیرا شما ذهنی شبیه به ذهن ما دارید، یعنی ذهن انسان. به همین شکل هم روح انسان طوری خلق شده که بتواند با روح خدا هماهنگ و همدم شود.

مسلماً ما نباید تصور کنیم که حکمت و دانشِ ذهن ما با ذهن خدا برابر است. هرگز! حکمت خدا بسیار عمیق و ژرف است و دانش او بسیار فراتر از دانش بشری است. آنچه که باید بدانیم این است: خدا به انسان روحی عطا کرده تا بتواند رابطه عمیقی با خدای زنده داشته باشد. خدا هرگز نمی‌خواهد شما شبیه حیواناتی باشید که قادر به شناخت او نیستند! حیوان مغز دارد اما قادر به تفکر در مورد خدا نیست، دارای دهان است اما قادر نیست، از خدایی که هر روز برای او غذا تهیه می‌کند تشکر کند، دارای چشم است، اما نمی‌تواند کتاب مقدس را مطالعه کند، او گوش دارد اما قادر نیست به کلام خدا گوش دهد. اما، انسانی که خدا به شباهت خود خلق کرده است قادر به شناخت خداوند، خدا است. بله، شنوندگان عزیز شما می‌توانید خدا را بشناسید! در صورتیکه ایمان داشته باشید و به درستی راه نجاتی را که او مقرر کرده بپذیرید، می‌توانید با خالق خود رابطه‌ای عالی و نزدیک داشته باشید. در

جلسه آینده راه نجات خدا را به روشنی برایتان بیان خواهیم کرد، اما چیزی که امروز باید به آن پی ببریم این است که خدا به انسان روحی عطا کرده، که قادر به شناخت اوست.

۲) خدا زمانیکه انسان را شبیه خود آفرید، چیز دیگری نیز در روح او قرار داد. و آن قلب (احساسات) است. خدا به انسان قلبی عطا کرد که می‌توانست توسط آن به خدا عشق بورزد. ما در مورد قلبی که خون را پمپاژ می‌کند صحبت نمی‌کنیم. بلکه در مورد آنچه در روحتان حس می‌کنید، احساساتتان و افکارتان، صحبت می‌کنیم. خدا به انسان اول این توانایی را بخشید که بتواند همچون خدا احساسات و عواطف داشته باشد. خدا می‌تواند محبت کند، متنفر شود، خوشحال شود و حتی دلسوزی کند. بنابراین خدا در روح انسان، قلبی قرار داد که قادر به حس کردن عواطفی همچون عشق و تنفر است. خداوند می‌خواهد انسان، هر آنچه را که خود دوست دارد، دوست داشته باشد و از آنچه که خود متنفر است، متنفر باشد. خدا می‌خواهد ما با تمام وجود او را دوست داشته باشیم. به همین دلیل او انسان را شبیه خود آفرید و به او قلب و احساس داد.

۳) خدا به انسانی که شبیه خود آفرید، چیز دیگری نیز عطا کرد. خدا در روح انسان اراده قرار داد. خدا به هر شخص این اجازه را می‌دهد تا راه خود را انتخاب کند. خدا خودش نیز این قدرت و اقتدار را دارد تا هر آنچه را که می‌خواهد انجام بدهد یا انجام ندهد. بنابراین او انسانی را خلق کرد که این حق یا مسئولیت را دارد تا در مورد مسائل مهم انتخاب کند و تصمیم بگیرد. خدا می‌توانست انسانی را خلق کند که آنچه را که خدا می‌خواهد، انجام بدهد و نسبت در مورد هیچ چیزی حق انتخاب نداشته باشد. اما خدا در مورد اطاعت و فرمانبرداری از او به انسان آزادی اراده و حق انتخاب عطا کرده است. خدا نمی‌خواست که یک روبات خلق کند. خدا انسان را شبیه خورشیدی که هر روز باید طلوع کند و هیچ حق انتخابی ندارد نیافرید. خورشید هر روز، خود به خود اراده خدا را انجام می‌دهد، اما بشر اینگونه نیست. انسان یک مخلوق استثنایی و ویژه است. خدا انسان را برای خود آفرید و مشتاق است تا ما انسانها، عشق به او و پرستش او را انتخاب کنیم. خدا مسئولیت بزرگی به عهده انسان گذاشته است. انسان باید انتخاب کند، آیا می‌خواهد از خدا پیروی کند یا از شیطان؟ می‌خواهد کلام خدا را به جا آورد یا از آن دوری کند؟ خدا نمی‌خواهد کسی به اجبار به کلام او ایمان بیاورد، او هرگز ما را مجبور نخواهد کرد تا او را دوست داشته باشیم و از او اطاعت کنیم. عشق اجباری، عشق نیست. خدا به هر شخصی اجازه می‌دهد، تا هر راهی را که دوسا دارد، انتخاب کند. اما در انتها، هر کسی که پادشاهی خدا را رد کرده باشد، خدا بر او داوری خواهد کرد، زیرا خدا انسان را برای خود آفریده است و این چیزی است که کتاب مقدس اعلام کرده است.

علت حضور ما بر روی زمین، خداست. ما در این دنیا به خاطر خودمان و یا برای پول و مادیات و یا برای هر چیز و یا هر کس دیگری نیامده‌ایم. خدا ما را برای خود و برای رضایت و جلال خود آفریده است. خدا ما را آفریده تا قادر به شناخت او باشیم، او را محبت کنیم و تا ابد از او اطاعت کنیم! بله، تا ابد! خدای ابدی، به هر یک

از ما روحی ابدی عطا کرده است. اراده خدا این است که ما انسانها با او، امروز، فردا و تا به ابد یک رابطه عمیق عالی داشته باشیم. و به همین دلیل خدا انسان را شبیه خود آفریده است.

ما با این آیه از کتاب مقدس که اهداف خدا را، در مورد انسان به ما یادآوری می‌کند با شما خداحافظی می‌کنیم. «خداوند خدای ما، خداوند واحد است و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما.» (مرقس ۱۲: ۲۹ و ۳۰)

از اینکه به برنامه ما گوش دادید، سپاسگزاریم. به یاری خداوند در برنامه آینده در مورد اولین انسانها، آدم و حوا... صحبت خواهیم کرد. خدا به شما برکت دهد و نیز نسبت به بزرگترین فرمانی که تاکنون صادر شده است بصیرت عطا کند.

«و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما.»

(مرقس ۱۲: ۳۰)